



چله نشین

و آداب آن نزد صوفیه

پژوهش‌گر: اکرم مصفا
عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلام شهر

چهل عدد کمال است چه آن که پیامبر (ص) در چهل ساله‌گی مبعوث شد. و شعرا به بهانه‌های مختلف به اربعین و چله نشینی اشاره کرده‌اند چنان که حافظ می‌گوید:

که ای صوفی شراب آن که شود صافی

که در شیشه بماند اربعینی

یا خاقانی می‌گوید:

مرا ز اربعین مغان چون نپرسی؟

که چهل صبح در مغسرا می‌گریزم

دیوان خاقانی ص ۲۸۸

یا: به يك قیام و چهار اصل و چهل صباح که هست

ازین سه معنی الف دال میم بی اعراب

به بهترین خلف و اربعین صباح پدر

به صبح محشر و خمسين الف روز حساب

دیوان خاقانی ص ۵۱

یا: علم چهل صبح را مکتبی آراسته

روح مقاله نویسنده نوح خلیفه کتاب

دیوان خاقانی ص ۲۷

یا: خاک چهل صبح سرشتی به دست صنع

خود بر زبان لطف براندی ثنای خاک

دیوان خاقانی ص ۲۳۹

صمت و جوع و سهر و خلوت و ذکر به دوام

ناقصان را کند این پنج چله تمام

(پاورقی مصباح الهدایه ص ۱۶۳)

اربعین یا چله‌نشینی، یکی از آداب اهل سیر و سلوک است که در طی آن با رعایت آداب و مراسم خاصی چهل روز به ریاضت می‌پردازند. و در وجه تسمیه اربعین به قرآن مجید استناد کرده‌اند: "حَمْرُ طِينَةِ آدَمَ بِيَدِهِ اَرْبَعِينَ صَبَاحًا".

شمس‌الدین عاملی می‌نویسد: متصوفه سالک را در مبدا به خلوت فرموده‌اند تا در کورمپ خلوت نفس او به آتش ریاضت گذاشته شود از آلابشی طبیعت صافی گردد و تعیین آن به اربعین مستفاد از آنچه رسول (ص) فرموده: "مَنْ أَخْلَصَ اللَّهُ اَرْبَعِينَ صَبَاحًا ظَهَرَ لَهُ يَنَابِيعُ الْحَكْمَةِ مِنْ قَلْبِهِ عَلَى لِسَانِهِ". کسی که چهل روز خالصانه عبادت و اعتکاف کند چشمه‌های حکمت از دلش بر زبانش جاری می‌گردد. و از کلام الهی در بیان میقات و تبتل و انقطاع موسی (ع) با حق سبحانه و تعالی آن‌جا که فرمود: "وَعَدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَتَمَمْنَاهَا بِعَسْرِ فَمِمَّا مِيقَاتُ رَبِّهِ اَرْبَعِينَ لَيْلَةً". وعده گذاریم با موسی به سی شب و سپس ده شب دیگر بر آن افزودیم تا میقات او با خداوند چهل شب کامل شد.

(اعراف ۱۳۲) (نفاذ الفنون ج ۲ مقاله ی سیم در علم تصوف فصل نهم ص ۳۸)

در اوراد الاحباب در شرح ارتباط این کلمه در حدیث پیامبر آمده است: بنده سالک در این چهل روز هر روزی به واسطه اخلاص عمل الله تعالی يك طبقه از طبقات جبلت ترابی که مبعود بنده است عن الله تعالی منکشف می‌شود تا در چهل روز کامل ایام خلوت آن چهل طبقه حجاب روز تخمیر را کشف کند و نشان تاثیر اربعینیه در سالک و علامت صدق او در خلوت و نشان آن که در این اربعینیه به شرایط اخلاص وفا کرده است، آن است که چون از خلوت اربعینیه بیرون آید، بیش به دنیا رغبت نکند و زهد نماید و از دار غرور دور شود و به دارالخلود بازگردد. جهت آن که ترک دنیا از ضرورت و لوازم حکمت است در دل و هر که به دنیا رغبت نماید و زهد نکند علامت آن باشد که در خلوت بر هیچ حکمتی ظفر نیافته است و هیچ حاصلی نکرده و هر که را بعد از اربعینیه در باطن حکمت پدید نیاید از آن باشد که شرایط خلوت او به خلل بوده است و اخلاص به جای نیاورده است و هر که اخلاص به جای نیارد خدای را عبادت نکرده است. جهت آن که خدای تعالی عبادت بی اخلاص را قبول نمی‌کند، قال الله تعالی و ما امرنا الا لیعبد الله مخلصین له الدین".



منابع و ماخذ

- اسلام و تصوف تألیف ر. ا. نیکلسن، ترجمه محمدحسین نهاوندی، انتشارات زوآر، خرداد ۱۳۴۱
- مقدمه ای بر مبانی عرفان و تصوف، دکتر ضیاءالدین سجادی، انتشارات سمت تهران ۱۳۸۰، چاپ اول
- دیوان خاقانی به کوشش دکتر ضیاءالدین سجادی انتشارات زوآر، تهران ۱۳۷۸، چاپ ششم
- مثنوی مولانا جلال الدین بلخی، شرح و توضیح دکتر محمد استعلامی، چاپ سوم، انتشارات زوآر ۱۳۷۱
- شرح اصطلاحات تصوف تألیف سیدصادق گوهرین، انتشارات زوآر
- مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه عزالدین محمود کاشانی به تصحیح جلال الدین همایی، انتشارات نشر هما، چاپ چهارم ۱۳۷۲
- اورداد الاحباب و فصوص الاداب، ابوالمفاخر باخرزی به کوشش ایرج افشار، انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۴۵
- مرصاد العباد، نجم الدین رازی، به کوشش محمد امین ریاحی، انتشارات علمی فرهنگی، چاپ چهارم ۱۳۷۱
- حافظنامه، به کوشش بهاء الدین خرمشاهی، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ پنجم ۱۳۷۲
- مناقب العارفین، شمس الدین احمد افلاکی، تصحیح تحسین بازجی، چاپخانه انجمن تاریخ ترک، انقره ۱۹۷۶ م.

و استناد می‌کند به کلام سهل عبدالله که گفته: "لا یصح السکوت الأیملأزمة الخلوۃ و لا یصح الثوبۃ الأیلسکوت" و شرط ششم نفی خواطر است و می‌گوید که پیوسته جمله خواطر را به قوت ذکر و اشتغال دل به مطالعه نظر الهی به ظاهر و باطن خود دفع کند و شرط هفتم دوام عمل است و در این مرحله نیز عرفا را به مبتدی - متوسطان و منتهیان تقسیم کرده و شرایط ویژه‌ای برای هر یک برمی‌شمارد و نجم الدین دایه در باب آداب خلوت هشت شرط برای اربعین برشمرده که در آنجا شرط اول را تنها در خانه خالی نشستن دانسته و روی به قبله آورده مربع، دست‌ها بر روی ران‌ها نهاده غسل کرده به نیت غسل مرده و خلوت خانه را لحد خویش شمرده و از آنجا جز به وضو و حاجت و نماز بیرون نیاید و خانه باید تاریک بوده و کوچک و پرده بر روی در فرو کرده تا هیچ روشنی و آواز در نیاید تا حواس از کار فرو افتد از دیدن و شنیدن و گفتن، تا روح چون مشغول حواس و محسوسات نباشد با عالم غیب پردازد و نیز حجبی و آقائی از کار فرو افتد به تصرف نکر و نفی خواطر محو گردد و آن نوع حجاب نیز بنشیند و روح را با غیب انس پدید آید و انس او از خلق منتفی گردد.

و در کیفیت خوردن غذا، در هنگام چله نشینی می‌گوید: از آداب خلوت یکی تقلیل طعام است نه چندان که ضعیف و بی‌قوت شود و . . . در قلت خواب کوشد تا بتواند به اختیار پهلو به زمین نهد مگر از غلبات خواب بی‌خود بیفتد یا خوابش برد، چون با خویش آمد برخیزد و وضو تازه کند و به ذکر مشغول شود، و در باب ذکر، عزیزالدین نسفی می‌گوید: "سالک بعد از ادای نماز پنجگانه به هیچ کاری دیگر مشغول نشود الا به ذکر لاله الاله و باید که ذکر بلند گوید و جهد کند که حاضر باشد و داند که نفی و اثبات کند." و باید اشاره کرد که از میان عناصر مثبت در طریق سلوک ذکر است عنصری که مورد قبول متصوفین بوده و در قرآن به مؤمنین امر شده: "یذکروا الله کثیرا"، خدای را بسیار متذکر شوید و مراد از آن عملی از اعمال ساده است که از تصوف بویی در آن نیست ولی صوفیه ریاضت تکرار اسم خدا "الله" یا بعضی عبارات دیگر مانند سبحان الله و لاله الاله را با صوتی طلب کنند، و حال وصل غیرمنقطعی با خدای تعالی تصور می‌کنند که در ادای نمازهای پنجگانه هم سایر مسلمین تصور نمی‌نمایند.

.....
 من نخواهم شد از این خلوت برون
 زان که مشغولم به احوال درون
 (ج ۱ ص ۱۳۳)

و در داستان شیر و نخجیران می‌گوید:
 قعر چه بگزید هر که عاقل است
 زان که در خلوت صفاهای دل است
 (ج ۱ ص ۶۸)

و در دفتر پنجم می‌گوید ولی الدولتین و امام القبلتین را شایسته این مسائل نمی‌داند:
 این که در وقت است باشد تا اجل
 وان دگر یار ابد قرن ازل
 هست یک نامش ولی الدولتین
 هست یک نعتش امام القبلتین
 خلوت و چله بر او لازم نماند
 هیچ غمی مر ورا غایم نماند
 قرص خورشید است خلوت خانه‌اش
 کی حجاب آرد شب بیگانه‌اش
 (ج ۵ ص ۱۷۲)

چنان‌که اشاره شد **چله نشینی** آداب و تشریفات و شرایطی دارد، عزالدین کاشانی در این باب می‌گوید: شرط اول آن است که تخلیص نیت کند از شوائب . . . چه ثواب اعمال بر حسب نیات است. حال آن که عزیزالدین نسفی رساله ششم از کتاب انسان کامل خود را اختصاص به آداب خلوت داده و در فصل دوم آن در بیان شرایط چله می‌گوید: بدان که شرط اول حضور شیخ است. باید که به اجازت شیخ بنشیند و شیخ حاضر باشد و هر هفته یا به هر ده روز شیخ به خلوت خانه وی رود تا وی را به دیدن جمال شیخ قوت زیاده شود و تحمل و مجاهد، تواند کرد و اگر مشکلی افتاده باشد سوآلی کند و شیخ محمود کاشانی بعد از ذکر شرایط تخلیص نیت می‌گوید: باید که در خلوت بعد از تخلیص نیت و انابت و دوام اشتغال به حق هفت شرط دیگر رعایت کند و به تفصیل، پیوسته بر وضو بودن، پیوسته روزه داشتن، قلت طعام اشاره کرده و در این شرط (قلت طعام) اصحاب خلوت را سه طایفه دانسته، اقویا، متوسطان و ضعفا، ضعفا هر شب افطار کنند و متوسطان به هر دو شب و اقویا به هر سه شب، و شرط چهارم قلت خواب است و خوابی را که بر سبیل ضرورت و اضطرار بود را عین عبادت دانسته و شرط پنجم قلت کلام است و صحت مقام تو به را در سکوت می‌داند

فیپو گرافیک
مشاور و مجری
در
طراحی، چاپ
و
تبلیغات

تلفن : ۶۷۳۹۹۸۴
 ۶۷۲۷۰۸۵